■ سال بیست و هشتم ■ شماره ۷۹۴۵ ■ پنجشنبه ■ ۹ تیر ۱۴۰۱

ایران

صاحب امتیاز:
خبرگزاری جمهوری اسلامی
سردبیر: کمیل نقی‌پور

تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰ نمابر: ۸۸۷۶۱۲۵۴ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳ روابط عمومی / نشانی: تهران خیابان خرمشهر،شماره ۲۰۸
صندوق پستی: ۵۳۸۸-۱۵۸۷۵ / امور مشترکین: ۸۸۷۴۸۸۰۰
چاپ: شرکت چاپ جام‌جم / سازمان چاپ و انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی/ چاپخانه همشهری ۲
سازمان آگهی‌های روزنامه ایران: دارنده گواهینامه ایزو ۹۰۰۱ از شرکت NISCERT
تهران خیابان خرمشهر شماره ۱۶ / پذیرش سازمان آگهی‌ها: ۱۸۷۷ (۰۲۱)
انتشارات موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران: ۵-۸۸۵۴۸۸۹۲
http://irannewspaper.ir

اذان ظهر ۱۳/۰۸ | اذان مغرب ۲۰/۴۵ | نیمه شب شرعی ۰۰/۱۵ | اذان صبح فردا ۴/۰۶ | طلوع آفتاب فردا ۵/۵۲

سخن روز

امام جواد علیه‌السلام:
با فضیلت‌ترین و ارزشمندترین عبادت‌ها آن است که خالص و بدون ریا باشد.

بحارالانوار، ج ۶۸، ص ۲۴۵

آرزو می‌کنم مشکلات را پشت سر بگذاریم و جلو برویم

آرزوی بزرگترم این است که همه مردم همیشه خوشحال باشند و بتوانند از مشکلات عدیده که گریبانگیر تک تک خانواده‌هاست خارج شوند.من برای اجرای برنامه به کشورهای زیادی سفر کرده‌ام. مالزی، اتریش، آلمان، انگلیس، تاجیکستان، سوئد و... رفتم. آدم سیاسی نیستم، نمی‌خواهم از ایران تعریف و اغراق کنم، ولی واقعاً کشور ما، کشور پرنعمتی است. امیدوارم مشکلات را هم پشت سر بگذاریم و جلو برویم. این آرزوی من است. من هر چه خوبی برای خودم می‌خواهم برای مردم هم می‌خواهم.

بخشی از سخنان هنرمند پیشکسوت رادیو همزمان با سالروز تولدش درگفت‌وگو با ایسنا

نـــگاره

رضا بدرالسما

یا جوادالائمه(ع)

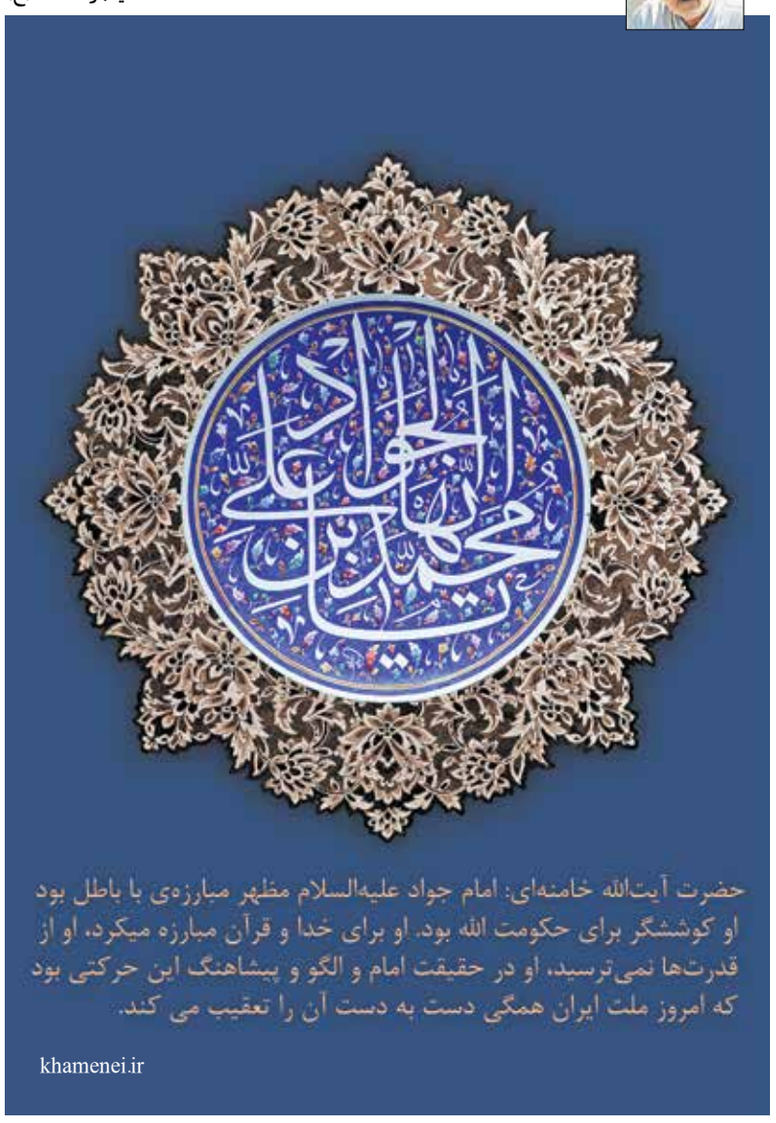

موسیقی؛ عبور از غفلت

یادداشت

محسن نفر
نوازنده و آهنگساز موسیقی

گفتیم هیاهو و سرسام زندگی موجب ستوه و فرسایش جسم و روح است و فرار از این هیاهو و فرسایش، راه نجات است.

این فرار، گاهی از چاله درآمدن و در چاه افتادن است که همان غفلت مذموم است. اصلاً غفلت چیست؟ بی توجهی و ناآگاهی و ناهشیاری نسبت به امور و مسائل! حال این بی توجهی گاهی ناخواسته و طبیعی است که همان ناآگاهی است و گاهی خواسته و اختیاری است که می‌شود بی اعتنایی. در کلمات قصار و هدایتبخش آمده است نسبت به هدف شمردن دنیا، بی اعتنا باشیم و این یعنی غفلت ممدوح. البته نزد بعضی هدف قرار دادن دنیا، با خود دنیا، مورد غفلت قرار گرفته و این تبدیل به یک اشتباه تاریخی شد تا ملل مسلمان به آباد کردن دنیای خود نپردازند و در نهایت برای ضروریات و مایحتاج عمومی و یومیه خویش، محتاج اغیار و گاهی اعدا شوند.

خود دنیا، مخلوق حق تعالی و گذرگاهی دلنشین و دل آرا است. اشکال و ایرادی نه در خلقت آن است و نه در هدف آن و خلقتش! اشکال در فهم و نگاه ما نسبت به آن است که آن را هدف شمرده‌ایم و زندگی در آن را آخرالامر. این اشتباه و غفلت، موجب دنیا دوستی به نحوی که مرگ و جدایی از آن فوق طاقت شده است و از سوی دیگر بی اعتنایی و غفلت از آن موجب تنگدستی و نیازمندی و بیچارگی شده است. پس اگر دنیا، هدف زندگی باشد، غفلت و اگرنه بی‌اعتنایی باشد، باز هم غفلت است. مفهوم گذرگاه برای دنیا، خود رفع غفلت‌هاست. گذرگاه، یعنی محلی که باید از آن گذر و عبور کرد. یعنی منزل نیست. یعنی نمی توان در آن اقامت کرد. تنها جای اطراق است! یعنی توقفگاه است. محلِ توقف موقت. نه اقامت. در اقامت، مفهوم ماندگاری و ماندن و بودن، مستتر است. اما در اطراق، توقف موقت مراد است! پس توقف موقت، نمی‌تواند هدف زندگی باشد و اقامت دائم که عالم باقی است، مورد غفلت قرار گیرد! اگر هدف، اقامت دائم باشد،آزار دنیا و دست اندازی بر آن و نابودی طبیعت و اتلاف و انهدام ذخایر و سرمایه‌های آن که سهم نسل‌های آتی هم هست، در دستور فعالیت‌های خرد و کلان، قرار نمی‌گیرد. اما اگر هدف زندگی خود دنیا باشد، اینها همه مقدمه‌ای است برای آن هدف.یعنی در اختیار داشتن دنیا.

اما از سوی دیگر اگر دنیا گذرگاه تلقی شود، باید غافل نبود از اینکه این گذرگاه امن و آباد و هموار و نافع باشد!

گذرگاهی پر خطر، خطر آسیب و سقوط و هلاک در پی دارد. فقر، عقب‌ماندگی که شامل فرهنگ، اقتصاد، سیاست، تعلیم و تربیت، بهداشت، رفاه، توسعه، پیشرفت و... می‌شود، بزرگترین خطرهای غفلت از دنیا و این گذرگاه است.

پس غفلت سوم این است که دنیا را به درستی گذرگاه بدانیم. اما به گذرگاه و امنیت و آبادانی و اهمیت آن، غفلت داشته باشیم! پس می‌بینیم که حلقه‌های غفلت، یکی پس از دیگری از راه می‌رسند! باید بفهمیم که از چاهی به چاهی دیگر و از غفلتی به غفلتی دیگر، در نغلتیم!

حکایت موسیقی هم از همین قبیل است. کنار گذاشتنش، تنها گذاشتن آدمی است، در تنگناهای هولناک و دل آزار زندگی که غفلت از آنها سبک کردن بار اندوه‌شان است. به‌کار گرفتنش هم ابتلا به غفلتی نورسیده است که عوارض خطرناک تعلیم و تربیت، آداب و معاشرت، اخلاق، روابط اجتماعی، روابط خانوادگی و شخصی و بسیاری مشکلات دیگر دربر دارد. حال چه کنیم؟ آن را به کار گیریم و از آن بهره بریم یا نه؟

درنگ و تردید در استفاده از آن غفلت و به‌کارگیری تمام عیار آن هم، غفلت است. باید بدانیم و باور کنیم برای رهایی از کسالت‌ها، ملالت‌ها و افسردگی‌های ناشی از زندگی و تزاحمات در آن، موسیقی مهم و راهگشا است. اما چطور می‌شود به ابتذال درنغلتید؟! با خروج از این غفلت که موسیقی پناهگاه مناسبی برای خروج از تألمات و تکدرات زندگی است. موسیقی تنها یک برون رفت از مشکلات زندگی است نه خود زندگی! غفلت اعظم این است که ما موسیقی را خود زندگی بدانیم. موسیقی برای زندگی است نه خود زندگی. همچنین است سایر حِرَف و مشاغل و رشته‌های دیگر. اگر هر کدام برای زندگی باشند ممدوح و اگر خود، زندگی باشند مذموم است. حال چطور ممکن است هر کدام و مثلاً موسیقی، خود زندگی باشند؟! این طور که شغل و حرفه و تخصص باشند! مگر شغل و حرفه تخصصی، می‌تواند خود زندگی باشد؟ آری. هر قدر امری شاخ و برگ بگیرد و پیچیده‌تر شود و مهارت بیشتری بطلبد، نیاز به وقت و نیروی بیشتری دارد و هر قدر وقت و نیروی آدمی، مصروف آن شود، زندگی در آن خلاصه می‌شود!

بسیار کسان که برای تأمین معاش و قوت لایموت، از پگاه تا شامگاه مشغول کار و تلاش معاش هستند و زندگی‌شان همان شده است! یعنی زندگیِ برای آنها در پیشه و حرفه شان خلاصه شده و اصلاً کار و حرفه،برای آنها زندگی شده!

اینها مواردی است که برای تأمین ملزومات و ضروریات زندگی رخ می‌دهد و تبدیل به زندگی شده است. اما هنر و موسیقی، مهارت و پیشه‌ای است که از فرط جذابیت و دلپسندی، از روی اختیار تبدیل به زندگی می‌شوند.

موسیقی برای عده‌ای، خود زندگی است نه برای زندگی! تمام اوقات و فکر و ذکر و هّم و غم‌شان، موسیقی است! همه وجود و نیرو و توانایی‌شان مصروف آن می‌شود! در واقع زندگی‌شان آن است و با میل و خودخواسته به آن می‌پردازند نه اجباراً و بنا بر ناچاری! پس در این صورت معنای زندگی تغییر می‌کند و چیزی که مقدمه و برای آن است، با خود آن عوض می‌شود و این یعنی غفلت! چگونه امری جای زندگی را می‌گیرد! یا جایگزین زندگی می‌شود؟ همان طور که قبلاً اشاره شد، به این دلایل:

۱- فقر و تلاش برای رفع آن!

۲- علاقه وافر و بیش از حد به چیزی. به طوری که تمام فکر و ذکر را اشغال کند!

۳- هدف‌های بزرگ و خاص که عمر و توان زیادی را صرف می‌کند و نیل به آنها زمان زیادی می‌طلبد!

۴- مشاغلی که مأموریت‌ها و مسئولیت‌های مهم و بزرگی با خود به همراه دارند!

۵- اموری که تأمین مایحتاج زندگی و ضروریات آن، بدان‌ها وابسته است!

به مناسبت سالروز امام محمدتقی جوادالائمه(ع)

توکل برخدا راه مقابله با مشکلات

آیین

اسماعیل علوی
دبیر گروه پایداری

امام محمدتقی، جوادالائمه(ع) نهمین خورشید روشنی بخش آسمان امامت و هدایت است که همانند پدران گرامی خود آیینه تمام‌نمای فضایل و والایی‌هاست. همانانی که کلام وحی آنان را با القابی همچون راسخون درعلم ستوده و اطاعت‌شان به مصداق اولی الامرلازم شمرده شده است.

امام جواد (ع) در هفت سالگی پس ازشهادت پدرش امام رضا(ع) امامت زود هنگام امت را عهده‌دار شد. امری که تا آن زمان سابقه نداشت و نامأنوس می‌نمود. اگر چه این امر تأکیدی بر این باور شیعه بود که امامت منصبی الهی است و خداوند آن را به شایستگان و کمال‌یافتگان در هر سنی می‌بخشد، با وجود این جمعی از عالمان مکتب امامیه نیز به تردید افتاده و به گرداب شک گرفتار آمدند. مورخان نقل می‌کنند؛ آن هنگام که امام رضا(ع) در سال ۲۰۲ قمری به شهادت رسید فرزندش ابوجعفر که کسری از هفت سال سن داشت جانشین آن حضرت شد و این موضوع با اختلاف‌نظر پیروان آیین تشیع مواجه شده و «یونس بن عبدالرحمن» یکی از عالمان شیعی و مطرح آن روز آن را به بیان آورد. آن ایام که موسم حج نیز نزدیک بود جمعی از صاحبان فکر و کرسی تدریس در شهرهای مختلف برای فرونشاندن شعله‌های تردید در درون خود حج را بهانه قرار داده به مکه آمدند تا از نزدیک امام جواد(ع) را دیده و با حضرتش وارد احتجاج شوند. از این رو حج آن سال شاهد جلسات متعدد مناظره‌های علمی میان عالمان شیعه با امام جواد (ع) بود که آن حضرت با پاسخ‌های قاطع و روشنگر و اداره جلسات مناظره، هرگونه شک و تردیدی را برطرف و به تثبیت امامت امام جواد(ع) انجامید.

حل مشکلات علمی صاحبان فکر و اندیشه از سوی امام جواد(ع) تحسین و

اعجاب آنان را برانگیخت و عالمان سایر مذاهب را نیز به تعظیم و تکریم واداشت. آن حضرت در سجایای اخلاقی راه پدران خود را می‌پیمود و دستی سخاوتمند داشت تا آنجا که ملقب به «جواد» شد. نیکی به مردم از برجسته‌ترین ویژگی‌های امام جواد(ع) بود که از نگاه مورخان دور نمانده و موارد آن در تاریخ ثبت شده است. آن حضرت در ادامه راه نیاکان خویش مردم را در گرفتاری‌ها مساعدت نموده و دستگیری می‌نمود.

امام جواد(ع) پیوسته روح امید و صبری پویا را در جان مؤمنان می‌دمید تا آنان را برای مقابله با ظلم و سرکشی آماده سازد و می‌فرمود: «صبر مؤمن بر بلا و سختی‌ها، کارآمدترین سلاح علیه ستمگر است» و راه رسیدن به اهداف عالی را صبر بر دشواری‌ها و سختی‌ها می‌شناساند. آن حضرت اعتماد و توکل بر خدا را یکی از ویژگی‌های مهم اهل ایمان دانسته می‌فرمود: «هرکس به خدا اعتماد کرد، شادمانی آن را می‌چشد و هرکس به خدا توکل کرد، خداوند او را بسنده خواهد بود و راه نجات به رویش گشوده می‌شود.»

وقت دریا شدن و موسم باران شده است
روضه‌ات شکر دوباره به من احسان شده است
هر کسی گریه کند غربت بی‌مثل تو را
هم نفس با نفس شاه خراسان شده است

حجت الاسلام محسن حنیفی

هنرمندان در فضای مجازی

صفحات مجازی اهالی فرهنگ و هنر، از فعالیت‌های تازه آنها خبر می‌دهد و هر آنچه این روزها با آن درگیر هستند و دغدغه‌اش را دارند؛ از شاعران و نویسندگان تا هنرمندان حوزه‌های تئاتر و سینما روزانه‌هاشان را با مخاطبانشان به اشتراک گذاشته‌اند.

■ **چهره‌ها**

کیومرث مرادی خبر جدیدی از نمایش تازه‌اش در اینستاگرام منتشر کرده و ضمن انتشار ویدیویی نوشته: مهدی‌حسینی‌نیا، نازنین کریمی و سام درخشانی به نمایش «مانش» پیوستند. مرادی برای نخستین بار با این بازیگران همکاری می‌کند تا با ترکیبی متفاوت تازه‌ترین اثر خود را برای اجرا آماده کند. تئاتر«مانش» براساس نمایشنامه «اهالی کاله» نوشته پیام لاریان برای اجرا آماده شده و قرار است از نیمه تیرماه در پردیس تئاتر«شهرزاد» روی صحنه برود.

کوروش سلیمانی بازیگر تئاتر، سینما و تلویزیون هم عکسی با محمدعلی بهمنی شاعر معاصر منتشر کرده و در توضیح آن شعری آورده و نوشته: «چند مدتی است خسته از روزگار گاه و بیگاه این شعر را با خود زمزمه می‌کنم، یا دکلمه استاد عزیزم پرویز خان پرستویی از آن و به لطف حقیقت، زیبایی و حلاوت آن خستگی از جان به در می‌کنم. امروز بعد از دیالوگی کاهنده و عجیب که داشتم، از آن دست دیالوگ‌ها که شاید شما هم در این روزگار غریب با آن کم و بیش و بیشتراز پیش! مواجه هستید، بیشتر از همیشه به آن نیازمند بودم و چه بخت یارم بود که غروب در سر ضبط برنامه هزاره شعر که به دعوت علی خواجه عزیز رفته بودم تا با دوست و استاد ارجمند دکتر رشید کاکاوند درباره لذت شعر گفت‌وگو کنم، استاد محمد علی بهمنی نازنین را دیدم و از ادب و فروتنی و مهربانی‌شان بهره‌مند شده و از اینکه این شعر را به ما بخشیده‌اند بسیار تشکر کردم.»

کاظم دانشی در اینستاگرام خود از نقش صدف اسپهبدی در «علف‌زار» نوشت و سیمرغی که گرفت. کارگردان علف‌زار نوشت: «صدف اسپهبدی بازیگر جوان سینما و تئاتر، سال گذشته برای اولین بار در یک فیلم سینمایی جلوی دوربین رفت. اسپهبدی در «علف‌زار» نقش زنی با نام «فریبا» را ایفا کرد. کاراکتری سخت با گریم بسیار سنگین که مجبور شد برای بازی در آن ۲۵ کیلو وزن کم کند. او مزد زحمات و سختی‌های این نقش را زمانی گرفت که از پله‌های اختتامیه چهلمین جشنواره فجر بالا رفت و سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را دریافت کرد.» «علف‌زار» به تهیه کنندگی بهرام رادان و کارگردانی کاظم دانشی در چهلمین جشنواره فیلم فجر در ۱۳ رشته نامزد شد (تمامی بازیگران نقش اول و مکمل) و در نهایت ۴ سیمرغ بلورین و یک دیپلم افتخار از این رویداد سینمایی دریافت کرد.

■ **جهان ادبیات**

اسدالله امرایی مترجم کشورمان که اصولاً روز تولد فرهیختگان را در صفحه‌اش یادآوری می‌کند و چیزی درباره‌شان می‌نویسد این بار از فرشته ساری نوشته به بهانه تولدش. امرایی عکسی از این شاعر منتشر کرده و در توضیح آن آورده« شادباش زادروز تولد فرشته ساری نویسنده و شاعر و مترجم. چند کتاب در حوزه‌های شعر و داستان تألیف یا ترجمه کرده‌است؛ پژواک سکوت، مروارید خاتون، تربت عشق و جمهوری زمستان از جمله آثار اوست. ساری در رشته‌های علوم کامپیوتر و زبان و ادبیات روسی تحصیل کرده است. از یاران مجله کارنامه بود. هر جا که هست از گزند روزگار مصون باشد.»

صفحه اینستاگرامی منسوب به،دکتر **محمدرضا شفیعی کدکنی** عکسی از حضور این استاد بر سر مزار یار دیرینه‌اش محمدرضا شجریان منتشر کرده و شعری از شفیعی‌کدکنی را ضمیمه عکس نموده است. شعر چنین است: آوازِ زندگی را/ با هر مرکبی که نوشتیم/ بزدودش این پلیدک غدّارِ بدگمان/ وِمروز/ آموختیم از تو/ که با مرگی این‌چنین/ آواز زندگی را/ باید نوشت و/ رفت / تا جاودان بماند در زیر آسمان.»

■ **دیگه چه خبر؟**

کامبیز درم‌بخش جزو هنرمندان حیفی بود که کرونا از ما گرفت و حالا نشر ثالث که پاتوق اصلی این هنرمند طراح و کارتونیست بود نمایشگاهی از کارهای او برگزار کرده. در اینستاگرام نشر ثالث ویدیویی از آماده‌سازی این نمایشگاه منتشر و نوشته شده: شاعر خط‌ها، کامبیز درم‌بخش، گزیده آثار، ۳ تا ۱۵ تیر ۱۴۰۱» یکی از علاقه‌مندان درم‌بخش هم در فقدان او نوشته: کامبیز رفت اما برای همیشه بود و ماند.خطوط کامبیز بدون در نظر گرفتن خلافی آرت بی نظیر فکری‌اش کافی است برای استثنایی بودن‌اش.تک بود یک دانه و رفت.»

فرش، راوی فرهنگ ملل

هنر و روان

شهره طاعتی
مددکار اجتماعی

ازدیرباز مردمان روی زمین برای رفاه و آسایش خود در تلاش و تکاپو هستند از وسایل بدوی گرفته تا کنون که اختراعات و اکتشافات و ساخت وسایل زندگی به‌صورت فعلی درآمده، همگی در اختیار آرامش انسان‌ها قرار داشته و دارد. در زمانی که گروه‌های انسانی از غارها بیرون آمده و با دنیای پیرامون خود به شکل جدیدتری آشنا شدند، تا ساختن وسایلی که زندگی روزمره را برایشان آسان کند اهمیت ویژه‌ای پیدا کرد و در طول دوران و زمان‌های مختلف تاریخی تکمیل‌تر شد و از یک جایی به بعد ساختن وسایل بیشتر با هنر گره خورد و از ظاهر و رنگ و لعاب هنری بیشتر و بهتری برخوردار شد. در هر منطقه با توجه به سبک زندگی، جغرافیا، وسایل و منابع اولیه فرهنگ و آداب و رسوم‌شان به ساختن و خلق وسایل رفاهی پرداختند. یکی از این وسایل که از همان ابتدا با هنرهای مختلف گره خورده است، فرش و گلیم و جاجیم است. فرش‌ها و تمامی وسایلی که به‌عنوان زیرانداز استفاده می‌شوند، با هنرهای طراحی، ترکیب رنگ‌ها، نوع بافت و گره‌ها، نقش‌هایی را به وجود می‌آورند که هر کدام‌شان نمادی از فرهنگ و آداب و رسوم و خطه جغرافیایی به همراه دارند و

داستان‌هایی از تاریخ و مردمان آن دیار را در خود جای داده‌اند. می‌توان گفت که فرش‌ها راویان فرهنگ‌های ملل هستند. آنها در دل خود داستان‌ها و رازهای مگوی بافنده هایشان را نیز در گره خرج‌های خود نهفته دارند و با نگاه کردن به آثار خلق شده توسط دست بافنده‌ها می‌توان تشخیص داد که متعلق به کدام منطقه و کدام طایفه است.این تلفیق هنر با فرش، به زیبایی ظاهری خانه‌ها نیز رنگ و لعاب دیگری می‌بخشد و برای بیننده چشم‌نواز است. در کشور ما ایران این وسیله کاربردی بیش از هر کجای دیگر با هنر عجین شده و از دیرباز حامل فرهنگ و تمدن کهن ایرانی است که به سراسر دنیا منتشر گردیده است.

نگاهی کوتاه به مجموعه شعر «دنیا از خودش سر رفته است» اثر الهه کاشانی

تا کسی مرا به ابتدای ماجرا ببرد

نقد

مجید افشاری
منتقد

ساخت گشایی منهای ارزش داوری، اصل کلی و بایسته در نقد شعر است و در کتاب «دنیا از خودش سر رفته است» ما با روایت‌ها و مخاطرات عاشقانه همراه با زبان توصیفی مواجهیم؛ حال و هوایی بی‌پیرایه از گفتمان با مخاطب خاص ایهامی که در مواردی می‌توان او را برساخته ذهن شاعر دانست. از سوی دیگر سطربندی‌ها به اندازه و مکاشفات عاطفی که هرازگاهی در کتاب تجلی دارند خواننده را مجاب به همراهی می‌کنند. برای پژوهشگر در حوزه ادبیات فاصله گرفتن از خزانه مطالعاتی و در امان داشتن جوهر شعر از شعارزدگی‌های فاضلانه کاری بس دشوار است که الهه کاشانی از عهده این امر بر آمده است (یک مورد آن هم بسیار کمرنگ در ص ۲۲ می‌خوانیم «متحیرم از تغافل آینه‌های تو در تو» که لحنی بیدلانه و فاضلانه را تداعی می‌کند) رعایت فاصله ایمنی ذهن با اندوخته‌های ادبی و تمایل به خودبودگی، منهای عصبیت‌ها و ظرفیت‌های علمی، بخشی دیگر از توان این مجموعه است و چه خوب که در کتاب از تزاحم تصویر و تراکم تعبیر، خبری نیست و چند بار هم گریز به موضوعات اجتماعی و جهانی را شاهدیم. مؤلف تلاش مسئولانه‌ای برای حفظ سادگی زبانش دارد و این یکدستی نشانه تجربه‌های نگارشی شاعر در سامانه جادویی شعر است. در موارد بسیاری قلم شاعر با تأثیرگذاری همدلانه از خواننده، مخاطب می‌سازد. عناصر زبانی که در کتاب به بسامد می‌رسند هم زنجیره‌ای از مفاهیم پنهان را برای مخاطب آشکار می‌کنند. اتاق، باران، زن، گل و... شاعر رفتار واقع بینانه با تجربه‌های زندگی اش دارد. همین رویکرد، باورپذیری نوشتارش را تضمین می‌کند، مثلاً نگاه کنید به «زندگی جاده است، جاده‌ای دو طرفه» و حالا بد نیست گزیده‌ای از سطرهای درخشان این کتاب را که به احتمال زیاد در ذهن مخاطب جا خوش می‌کند باهم بخوانیم: هیچ کس چیزی یادش نمی‌آید، دنیا مثل همیشه آرام، فقط کتابدار زیر شاهنامه مرده بود ص ۱۶/ دور می‌شوم، آنقدر دور که شکل نقطه‌ای سرِ خط می‌ایستم، تا کسی مرا به ابتدای ماجرا ببرد ص ۲۰/ دست‌هایی که زیر خاک، دنبال قهرمان می‌گردد، نمی‌تواند مشت شود ص ۲۷/ دکتر گوشی را بگذار، من سال هاست، حرفم را روزی سه بار قورت می‌دهم ص ۳۳/ جمله‌های بی‌هدف، مثل کودکان خجالتی، نامه‌های مرا پشتشان پنهان کرده‌اند ص ۴۲/ هر کس مرا دیده، از چشم‌های من تو را خوب می‌شناسد، از این سطر به بعد، چتر را باز کن ص ۴۵/ و من فکر کردم، آدم‌های قوی، چشم‌هایشان از سنگ پُر شده ص ۴۸ / دفترچه خاطرات تب دار نیست، گاهی مثل دیدن یک گور دسته جمعی، فقط داغ دلمان را تازه می‌کند ص ۸۰ / از تو حرف می‌زنم و ساحل پر می‌شود از گوش ماهی‌هایی که تورا، ندیده می‌شناسند ص ۸۷/ آن وقت می‌شود با خیال راحت، دنیا را در نایلونی سیاه پیچید و در سر کوچه رها کرد ص ۹۰/ این بخشی کوتاه از سطرهایی از کتاب «دنیا از خودش سر رفته است» که می‌شود به ذهن سپرد و رفت سر وقت خواندن تمام کتاب و قدم زدن در کلمات‌اش.

عکس نوشت

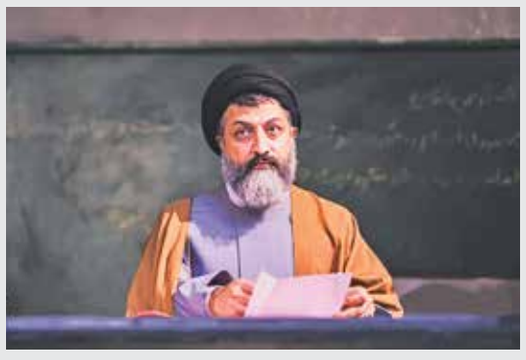

به مناسبت سالگرد فاجعه هفتم تیر، تیزری با محوریت بازنمایی حادثه انفجار دفتر حزب جمهوری و نخستین تصویرازشهید بهشتی در فیلم سینمایی «ضد» دومین ساخته امیرعباس ربیعی به تهیه‌کنندگی محمدرضا شفیعی رونمایی شد.

«ضد» به قلم حسین تراب‌نژاد یک درام سیاسی است که داستان یک عشق را در دل حوادث سیاسی روایت می‌کند. این فیلم سعی کرده حوادث پرالتهاب زمستان ۵۹ تا تابستان ۶۰ ایران را به نمایش بکشد.

مهدی نصرتی، لیلا زارع، لیندا کیانی، نادر سلیمانی، مهشید جوادی، مجید پتکی، روزبه رئوفی، عماد درویشی، شیرین آقاکاشی و امین خانی بازیگران اصلی این فیلم هستند./ایرنا